

قیاس مرحله تحقیقات مقدماتی در کشورهای انگلستان، آمریکا، ایتالیا، آلمان، فرانسه و ایران

مهدی قربانی^۱ / سجاد عظیمی نژادیان^۲

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۴

کد مقاله: JHVMN-2408-1233

چکیده

تأمل در واپسین قانون مصوب در باب آیین دادرسی کیفری ایران، مبرهن حاکمیت اصل وحدت قاضی بر دادرسی دستگاه قضایی علی‌رغم حاکمیت نسبی نظام دادرسی مختلط است. اصل وحدت قاضی که تشابه بسیار با قواعد دادرسی نظام تفتیشی دارد به دادستان به‌عنوان مقام تعقیب، اجازه ورود به حوزه تحقیق و قضا را برخلاف اصل تفکیک قوا رایج در قوانین کشورهای آنگلو ساکسون همچون آمریکا، انگلیس، آلمان و ایتالیا و از سوی دیگر کشور فرانسه می‌دهد. وجه تمایز قوانین و مقررات جاری در مرحله تحقیقات مقدماتی ایران با کشورهای آنگلو ساکسون و فرانسه در ورود مقام دادستانی در امر تحقیق و قضا می‌باشد به‌نحوی که دادستان در کشورهای مذکور، تنها عهده‌دار مقام تعقیب و نهایتاً تحقیق بوده و هیچ‌گونه دخالتی در امر قضا ندارد، این در حالی است که مطابق ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری ایران، دادستان به‌عنوان مقام تعقیب هم‌زمان می‌تواند عهده‌دار مقام تعقیب، تحقیق و قضا گردد. به دیگر سخن، مبنای نظام مختلط که تفکیک مراحل رسیدگی از یکدیگر جهت رعایت هر چه بهتر اصول یک دادرسی عادلانه می‌باشد، در مرحله تحقیقات مقدماتی ایران برخلاف سایر کشورهای مطرح در حوزه قانون‌گذاری نقض می‌گردد. لذا پسندیده آن است که مقام تعقیب بر مبنای اصل تفکیک قوا نتواند بر کرسی منصب قضا تکیه زند و هم‌زمان دارای سه شان تعقیب، تحقیق و قضا باشد.

واژگان کلیدی: اصل تفکیک قوا، اصل وحدت قاضی، مرحله تعقیب، مرحله تحقیق، مرحله قضا.

^۱ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

qrbanywrzrdymhdy@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول)

Sajadzazimi133@gmail.com



مقدمه

ورود نهادهای حاکمیتی در رفع تنازعات مابین افراد جامعه در دوران تاریخ سیری صعودی داشته است. مثبت این مدعا، تسلط آداب و رسوم قبایل و گروه‌های ذی‌نفوذ بر قدرت دولت‌ها در پیاده نمودن عدالت در گذشته بوده است. به دیگر سخن، در گذشته دادخواهی فردی مینا و ملاک افراد جوامع در استیفای حقوق خود به شمار می‌آمده و دولت‌ها تنها نقش نظاره‌گر وقایع واقع شده را داشتند. فقدان مرجعی واحد جهت رسیدگی به اختلافات مابین مردم، محرکات بی‌عدالتی در جامعه را سبب می‌گشت. افزایش قدرت حاکمیت‌ها در بستر تاریخ سبب شد تا واکنش‌های انتقام‌جویانه افراد که در بیشتر موارد جان انسان‌های بی‌گناه را قربانی مقاصد خود می‌کرد، کم‌کم جای خود را به واکنش‌های فردی متناسب با جرم دهند. (بولوک، ۱۳۷۷: ۲۲) امروزه نقش دولت‌ها در رسیدگی به مخاصمات میان افراد جوامع بر کسی پوشیده نیست. در این میان، افراط در تفویض اختیارات دادرسی به متولیان اجرائی دستگاه قضا می‌تواند موجبات عدول از یک دادرسی عادلانه و منصفانه را به‌خصوص در مواقعی که یک‌طرف دعوا حاکمیت است، سبب گردد. نگارنده، جهت وضوح موضع خود مختصراً ابتدا توضیحاتی را در باب نظام‌های کنونی حقوقی حاکم بر چرخه قضایی برخی کشورهای مهم در حوزه قانون‌گذاری جهت تبیین هر چه بهتر نحوه کارکرد دستگاه قضایی ایران در انجام تحقیقات مقدماتی بیان می‌دارد.

۱- مرحله تحقیقات مقدماتی در چرخه قضایی دادرسی

تحقیقات مقدماتی که حساس‌ترین مرحله دادرسی جزایی است، نقشی محوری در پی‌ریزی پرونده ایفا می‌نماید. (صابر، ۱۳۸۸: ۱۴۳) تحقیقات دارای دو معنای عام و خاص است. در معنای عام هر نوع اقدام تحقیقی را که تا قبل از محاکمه صورت می‌پذیرد، پوشش می‌دهد و در معنای خاص به استناد ماده ۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری، تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا مقامات قضایی، برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود. (حیدری، ۱۳۹۴: ۲۷، آخوندی، ۱۳۸۲: ۱۱) البته اظهارنظر بازپرس مبنی بر تحقق یا عدم تحقق جرم و انتساب یا عدم انتساب آن به متهم نیز که امکان تصمیم‌گیری در مورد ارسال پرونده به دادگاه را می‌دهد، جزئی از تحقیقات مقدماتی محسوب می‌گردد که در تعریف ارائه‌شده در ماده مذکور نیامده است. (خالقی، ۱۳۹۴: ۱۶۶)



تحقیقات مقدماتی از دو جهت حائز اهمیت است: یکی از جهت تأثیر آنی و فوری آن و دیگری از جهت اثر نهایی و غایی آن. منظور از تأثیر آنی تحقیقات مقدماتی آن است که چگونگی برخورد و عملکرد ضابطان دادگستری و مأموران انتظامی در این مرحله تا حد زیادی، از یک سو بر روحیه مجرمین اثر می‌گذارد و می‌تواند به اصلاح یا تجری آن‌ها منجر شود و از سوی دیگر در پیشگیری از جرم از ناحیه مرتکب و یا زیان‌دیده از جرم مؤثر باشد. اثر غایی و نهایی تحقیقات مقدماتی از این حیث واجد اهمیت است که در غالب بلکه تمامی موارد، اساس و پایه‌ی آرای صادره از محاکم کیفری را تحقیقات مقدماتی تشکیل می‌دهد. اهمیت تحقیقات مقدماتی را اگر افزون از اهمیت اصل دادرسی ندانیم، همسان و همانند با آن دارای اهمیت است. هر حکمی که در یک پرونده کیفری صادر می‌شود، ثمره نهال و یا بذری است که به دست ضابطان و قضات دادسرا کاشته می‌شود. (منصور آبادی، فروغی، ۱۳۹۶: ۱۸۲، باقر پور، ۱۳۸۴: ۹۴) نگارنده پیش از ورود به مبحث چگونگی انجام تحقیقات مقدماتی بر خود لازم می‌دارد به عرض برساند برخی توضیحات تاریخی مندرج در ذیل هر یک از عناوین مشروحه آتی از آن جهت تحریر گشت تا خوانندگان محترم با فهم سبقه و سیر تغییرات صورت گرفته، بهتر به نمای کلی کنونی مرحله تحقیقات مقدماتی در کشورها مطروحه مورد سخن دست یابند.

۲- تحقیقات مقدماتی در کشورهای مبتنی بر نظام اتهامی (انگلستان، آمریکا، ایتالیا و آلمان)

از لحاظ تاریخی، نظام رسیدگی اتهامی اولین و قدیمی‌ترین شیوه دادرسی کیفری به شمار می‌آید. وجه تسمیه این نظام واژه اتهام است؛ یعنی این‌که هر شخصی متهم خود را تحت تعقیب قرار می‌دهد و تنظیم مجادله‌های دادرسی از سوی تعقیب‌کننده انجام می‌شود. (مختاری، ۱۳۹۲: ۸۴) درواقع تا تعقیب‌کننده‌ای نباشد که اتهامی را به دیگری منتسب نماید، مراجع قضایی صلاحیت شروع به رسیدگی را ندارند. اساساً بینش این نظام مبتنی بر مکتب لیبرالیسم است. مکتبی که بر این باور است، برای بقاء اجتماع باید حقوق و آزادی‌های فردی مورد حمایت قرار گیرد.

مهم‌ترین ویژگی‌های نظام اتهامی سنتی رایج در گذشته عبارت بودند از: نخست لزوم طرح شکایت از سوی بزه دیده. در این نظام، به جهت عدم تفکیک نظم عمومی از منافع فردی و متأثر بودن مجازات مرتکبین از ایده انتقام، تعقیب متهمین فقط در صورت شکایت زیان‌دیده از جرم و مراجعه او به قاضی امکان‌پذیر بود. (آشوری، ۱۳۹۲: ۹۳) ویژگی دوم نظام اتهامی را می‌توان علنی بودن رسیدگی‌ها دانست. به این معنا که محاکمه در محل‌های بزرگ و شناخته‌شده شهر، صورت می‌گرفت تا هرکس که مایل باشد در جلسه محاکمه شرکت کند. از شفاهی بودن رسیدگی‌ها



می‌توان به‌عنوان خصیصه دیگر نظام اتهامی نام برد. شفاهی بودن به این معناست که در تمام مراحل دادرسی اعم از مطالب و دلایل اتهام یا دفاع، به جهت محرومیت مردم از نعمت سواد و کتابت، به‌صورت شفاهی ابراز می‌شود. (جویباری، ۱۳۸۸: ۲۴) و سرانجام ویژگی ترافعی بودن رسیدگی‌ها در نظام اتهامی به معنای آن است.

هم‌اکنون نظام اتهامی مدرن متداول در انگلستان، آمریکا، ایتالیا و آلمان با نظام اتهامی سنتی تفاوت‌های فراوانی دارد. از جمله این تفاوت‌ها می‌توان به ایجاد مرجعی جهت تعقیب جرائم عمومی اشاره نمود که در نظام اتهامی سابق وجود نداشت.

در کشور انگلستان تا پیش از تصویب قانون «تعقیب جرائم»، در سال ۱۹۸۵ پلیس هم‌زمان وظایف تعقیب و تحقیق جرائم را بر عهده داشت. با تصویب قانون فوق نهادی وارد انگلستان شد که «دادستانی سلطنتی» نام داشت. دادستان سلطنتی را باید پل ارتباطی میان پلیس و دادگاه دانست. این دادستان‌ها که در حال حاضر در سیزده منطقه، اداره دادرها را در اختیار دارند، خود زیر نظر و تحت ریاست «مدیر تعقیب عمومی» هستند. باید اذعان نمود که پس از تصویب قانون تعقیب جرائم ما شاهد مسئولیت‌های جداگانه‌ای برای امر تعقیب و تحقیق هستیم. به‌گونه‌ای که در تمام پرونده‌ها پلیس مسئول انجام تحقیقات مقدماتی و نیز تصمیم‌گیری راجع به کفایت ادله اثباتی برای شروع رسمی تعقیب یک متهم به حساب می‌آید. پلیس در صورت تشخیص انتساب اتهام، از طریق یک «سند اطلاعات» یا «برگه اتهام» امر تعقیب را آغاز می‌نمود و پس از تنظیم اسناد فوق که به معنای شروع رسمی تعقیب می‌باشد، پرونده نزد اداره تعقیب عمومی و دادستان سلطنتی ارسال شده تا در مورد دو موضوع صحت عناوین کیفری قیدشده و نیز ادامه یا عدم ادامه تعقیب متهم تصمیم‌گیری شود. در راستای تصمیم‌گیری راجع به موضوعات فوق، دادستان مکلف به در نظر گرفتن دو معیار مربوط به ادله و نیز مصالح عمومی بود. (یوسفی، ۱۳۹۱: ۱۳۹۲) اما پس از تصویب قانون «عدالت کیفری» در سال ۲۰۰۳ وظایف متفاوت دو نهاد دادستانی و پلیس به وظایف مشترک تغییر یافت. به‌گونه‌ای که وظیفه تعقیب کلیه جرائم در اختیار دادستان‌ها قرار گرفته است، اما قانون‌گذار در برخی موارد به پلیس اجازه داده است تا خود امر تعقیب را بدون دخالت دادستان‌های سلطنتی شروع نماید. در واقع امروزه در قوانین انگلستان دادستان‌های سلطنتی به‌عنوان مقام تعقیب و پلیس به‌عنوان مقام تحقیق شناخته می‌شود. اساساً روند رسیدگی در انگلستان بدین شکل است که پس از انجام تحقیقات توسط پلیس، پرونده نزد دادستان سلطنتی فرستاده می‌شود تا ایشان در مورد ارسال یا عدم ارسال پرونده به دادگاه تصمیم‌گیری نمایند. دادستان سلطنتی چنانچه با در نظر گرفتن مصالح عمومی و ادله موجود در پرونده خواستار ارسال



پرونده به دادگاه مجستريت يا بخش، باشد از دادگاه مذکور تقاضا مي نمايد که به پرونده رسيدگي نموده و دستورات لازم را اعلام نمايد و اگر پرونده در صلاحيت دادگاه جنايي باشد به جهت آنکه اين دادگاه تنها در صورت صدور کيفرخواست شروع به کار مي نمايد، از اين دادگاه تقاضاي صدور کيفرخواست برميناي ادله ارائه شده مي کند. حال در صورت موافقت دادگاه جنايي کيفرخواست صادر و برميناي آن دستورات قضايي هم صادر مي شود. در واقع به جهت آنکه دادستان در انگلستان عضو قوه مجريه بوده، شأن قضايي ندارد. درنتيجه بايد اظهار داشت که اولاً در نظام اتهامي مدرن انگليس ما شاهد فقدان نهاد بازپرس مي باشيم. ثانياً عهده دار امر تعقيب دادستان سلطنتي بوده، هرچند پليس تحت نظارت دادستان در برخي موارد مصرح در قانون مي تواند امر تعقيب را بدون اجازه دادستان شروع نمايد. ثالثاً پليس عهده دار امر تحقيق مي باشد و دادستان به هيچ وجه حق دخالت در اين امر را ندارد. رابعاً دادستان ملزم به ارسال پرونده به دادگاه نمي باشد و درصورتی که ارسال پرونده به دادگاه را خلاف مصالح عمومي بداند از ارسال پرونده به دادگاه خودداري مي نمايد.

در ايالات متحده آمريکا برميناي نظام اتهامي مدرن دو راه براي تعقيب یک متهم وجود داشته و هر دو راه نیز از وظايف دادستان ها به حساب مي آيد. درصورتی که پرونده از اهميت بيشتري برخوردار باشد (معمولاً جنايات) دادستان بايد با حضور نزد مرجعي با عنوان هيأت منصفه عالي که بين شانزده تا بيست و سه نفر هستند، از پرونده طرح شده دفاع کرده و هيأت منصفه عالي را متقاعد نمايد که دليل کافي عليه متهم وجود دارد. در اين مرحله سندی با عنوان کيفرخواست صادر شده و پرونده به مرحله بعد که مرحله رسيدگي در دادگاه است ارسال مي شود. در پرونده های کم اهميت تر، دادستان، موضوع کفايت ادله اثباتي را نه نزد هيأت منصفه عالي که نزديک قاضي واحد با عنوان قاضي دادگاه بخش مطرح مي کند و در پايان اين مرحله سندی با عنوان سند اطلاعات صادر مي گردد. جمع کليه اختيارات گفته شده در بالا موجب آن است تا دادستان آمريکايي قدرتي فراوان داشته باشد. در واقع برعکس مدل انگليسي که پليس و دادستان به شکل همکار در تعقيب متهمين نقش دارند، دادستان در آمريکا تنها نهاد صالح براي تعقيب جرائم به حساب مي آيد. پليس در ايالات متحده آمريکا، مرجع انجام تحقيقات مقدماتي راجع به جرائم ارتکابي است. پرونده کيفري طرح شده ممکن است توسط دادستاني و براي انجام تحقيقات بيشتري به پليس ارجاع شود. انجام تحقيقات مقدماتي و جمع آوري دلايل مرتبط با جرم در ايالات مختلف به روش های مختلف و با ايجاد نهادهای متفاوت انجام مي گيرد. براي مثال در نيويورک، یک شاخه از پليس به طور انحصاري و خاص به موضوع جرائم اختصاص داده شده است. (همان، ۱۰۴)



در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۹۳۰ ایتالیا که باوجود شکست نظام فاشیسم و استقرار نظام دموکراتیک، همچنان مورداستفاده بود، تحقیقات مقدماتی توسط بازپرس انجام می‌گرفت و مراحل تعقیب و تحقیق از هم تفکیک شده بودند. تحقیقات مقدماتی به‌طور غیرعلنی، سری، کتبی و بدون حضور متهم یا وکیل وی انجام می‌گرفت. (آشوری، ۱۳۷۶: ۷۴) چند عامل موجب آن شد تا در ۱۶ فوریه ۱۹۸۷ مجلس ایتالیا دولت را مأمور اصلاح قانون و تقدیم لایحه نماید. اولین عامل، کندی رسیدگی‌های کیفری و بلا تکلیف ماندن تعداد زیادی از متهمان در بازداشتگاه‌ها بود. عامل دوم، تکلیف دولت ایتالیا به نزدیک شدن به موازین کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و اصول قانون اساسی آن کشور محسوب می‌شد. چه آنکه ایتالیا نیز در سال ۱۹۵۰ به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر پیوسته بود. (یوسفی، ۱۳۹۰: ۲۱۵) عمده حقوق‌دانان ایتالیا در زمان پیش از تصویب قانون جدید در سال ۱۹۸۸، بازپرس را عامل کندی رسیدگی در چرخه قضایی ایتالیا می‌دانستند و بر این باور بودند که وجود بازپرس درواقع به معنای آن است که فرآیند دادرسی کیفری نیازمند به دو اقلان وجدانی است. بدان سبب که یکبار بازپرس جهت انتساب رفتار مجرمانه به متهم باید به اقلان وجدانی برسد و از سوی دیگر قاضی جهت محکوم نمودن متهم به مجازات. از سوی دیگر برخی از حقوق‌دانان ایتالیا اعتقاد داشتند که جمع دو شأن تحقیقی، قضایی در بازپرس موجبات عدم رعایت اصل بی‌طرفی را موجب می‌شود و لذا بر این یافته استوار بودند که هر شخص معقولی با نهاد بازپرسی مخالف است، چراکه او شخصی است که کلاه دو گوش به سر دارد، یک گوش آن تحقیق است و گوش دیگرش قضاوت. این دو باهم غیرقابل جمع‌اند و این مشکل اساس نظام تفتیشی است.

مجموعه عوامل فوق سبب شد تا قانون جدید آیین دادرسی کیفری ایتالیا در ۲۴ اکتبر ۱۹۸۸ پس از تصویب در روزنامه رسمی منتشر و دارای قدرت اجرایی شود. وفق قانون جدید، نهاد بازپرسی از چرخه قضایی ایتالیا رُخ بر بسته و جای خود را به قاضی تحقیقات ابتدایی داد. به‌گونه‌ای که قاضی تحقیقات ابتدایی برخلاف بازپرس در قانون سابق به‌هیچ‌وجه وارد امر تحقیق نشده و صرفاً شأن قضایی دارد. درواقع در قانون جدید ایتالیا وظایف تعقیب و تحقیق در هم ادغام شده و هر دو توسط دادستان انجام می‌شوند. از سوی دیگر نقش قاضی تحقیقات ابتدایی که جایگزین مقام بازپرس شده، از امر تحقیق به نظارت برقرارهای محدودکننده آزادی و قرارهای نهایی دادستان انتقال یافته است. خلاصه آنکه به‌موجب قانون جدید ایتالیا، اولاً امر تعقیب و تحقیق بر عهده دادستان و پلیس می‌باشد. ثانیاً دادستان در ایتالیا هرچند تا به امروز عضوی از قوه قضاییه محسوب می‌شود اما همانند دادستان در آمریکا و انگلیس، فاقد شأن قضایی است و تصمیمات قضایی در مورد پرونده بر عهده قاضی تحقیقات ابتدایی بوده که جایگزین مقام بازپرس شده است.



در اول فوریه ۱۸۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری آلمان با الهام از کد ناپلئون ۱۸۰۸ به تصویب رسید. با توجه به تعلق آلمان به نظام حقوقی رومی، ژرمنی و متأثر بودن نظام حقوقی آن از قوانین فرانسه، ما شاهد تفکیک مراحل تعقیب از تحقیق بوده، به نحوی که دادستان و بازپرس به ترتیب عهده‌دار امر تعقیب و تحقیق شدند. در طول زمان ما شاهد تغییرات و اصلاحات زیادی در قوانین دادرسی کیفری آلمان بوده‌ایم. از جمله این تغییرات می‌توان به حذف نهاد بازپرس و همچنین ادغام دو وظیفه تعقیب و تحقیق و سپردن این دو امر به دادستانی در سال ۱۹۷۴ اشاره نمود. البته باید اذعان داشت که دادستان در آلمان همانند سایر کشورهای آمریکا، انگلیس و ایتالیا فاقد شأن قضایی می‌باشد. در واقع دادستان در مورد تحقیقاتی که منجر به نقض حریم خصوصی افراد مثل تفتیش منازل یا آزادی افراد می‌شود باید مجوز لازم را از قاضی دادگاه منطقه‌ای کسب نماید و ثانیاً قبل از تشکیل محاکمه اصلی در دادگاه، باید کیفرخواست صادره توسط دادستان توسط همان قاضی ارزیابی شود تا کفایت ادله اثباتی به تأیید وی برسد.

در ارزیابی نظام اتهامی مدرن به چند نکته باید اشاره نمود: اولاً نظام اتهامی در یک نگاه کلی مبتنی بر مکتب لیبرالیسم می‌باشد. در این نظام حقوق افراد به خوبی تأمین و رعایت گشته و جامعه و حاکمیت هیچ‌گونه حس برتری نسبت به افرادش نداشته تا به استناد آن بتواند حقوق افراد را پایمال نماید. ثانیاً هدف اصلی نظام اتهامی مدرن را می‌توان حل و فصل عادلانه دعوی دانست. مستند این گفته به دوران سابق نظام اتهامی برمی‌گردد، آن زمانی که به واسطه‌ی فقدان قضات حرفه‌ای، قضاوت میان طرفین را ریش‌سفیدان و افراد معتمدی بر عهده داشتند که تنها هنرشان استماع اظهارات طرفین دعوا بود و در نهایت بر پایه‌ی آن اظهارات تصمیمی را اتخاذ می‌نمودند. این انفعال امروزه هم در نزد قضات نظام اتهامی مدرن مشاهده می‌گردد. به گونه‌ای که بازیگران اصلی پرونده‌ها، دادستان و متهم بوده و قضات تنها به بررسی دلائل ارائه‌شده و نظارت بر حسن جریان رسیدگی مبادرت می‌ورزند. ثالثاً این نظام به دنبال کشف حقیقت به هر طریقی نیست. بر اساس همین مبنا پذیرش قاعده بطلان دلیل را سرلوحه کار خود قرار داده است. توضیح آنکه پذیرش قاعده بطلان دلیل اشاره دارد به آنکه چنانچه دلیل از راه غیرقانونی به دست آید، این دلیل نزد مراجع قضایی فاقد اعتبار است. (مقدسی و فرجی ها، ۱۳۸۷: ۱۱۳) رابعاً در نظام اتهامی به جهت فقدان مقام بازپرس، عمده تمرکز بر مرحله‌ی رسیدگی در دادگاه‌هاست. در واقع به محض آنکه دادستان دلایلی معقول جهت ارسال پرونده به دادگاه کشف کند از مقامات ذی‌ربط تقاضای ارسال پرونده را به دادگاه جهت رسیدگی می‌نماید. در واقع در نظام اتهامی مبنای ارسال پرونده جهت



رسیدگی در دادگاه‌ها، دلیل معقول است برخلاف نظام تفتیشی که مبنایش فراتر از هر شک معقول است. (فروغی، یوسفی، ۱۳۹۳: ۱۴۷)

به‌عنوان نتیجه می‌توان گفت که نظام اتهامی مدرن یا نظام دادرسی کیفری انگلو-امریکن نظامی است بدون بازپرس با دادستانی که فاقد شأن قضایی است؛ و نهایتاً قضات منفعلی که دلایل ارائه‌شده توسط طرفین فعال یعنی دادستان و متهم را به نظاره می‌نشینند. این قضات دلایل تحصیل شده به طرق غیر مشروع را بر نمی‌تابند. هدف کلی در این نظام حل و فصل عادلانه دعاوی بوده و مبنای ارسال پرونده به دادگاه، دلیل معقول است.

۳- تحقیقات مقدماتی در کشورهای مبتنی بر نظام تفتیشی

از دیدگاه تاریخی نظام تفتیشی پس از نظام اتهامی پدید آمده است و اگرچه محاکم در بسیاری از کشورهای اروپایی به‌ویژه بعد از قرن چهاردهم، به این نظام دادرسی متوسل شدند، سابقه پیدایش تاریخی آن را باید در عملکرد دادگاه‌های کلیسایی جستجو کرد. در ابتدا از نظام رسیدگی تفتیشی در جهت مجازات روحانیونی استفاده می‌گشت که سبب‌ساز پایین آمدن شأن و منزلت کلیسا می‌شدند؛ اما پیدایش منتقدان و مخالفان کلیسا سبب گشت تا کشیشان از این نظام به‌عنوان ابزاری در جهت سرکوب مخالفان استفاده نمایند. در واقع پاپ و کشیشان از این روش رسیدگی همچون سپری در مقابل آماج حملات مخالفان کلیسا استفاده نموده و موجبات سرنگونی آن‌ها را فراهم می‌آوردند. در چنین شرایطی دستگاهی برای تفتیش افکار در قرون وسطی به وجود آمد و به آن نام «انکیزیسیون» اطلاق گردید. گرگوریوس نهم پایه‌گذار این مکتب به شمار می‌آید. اساساً ایشان در جهت مبارزه با مخالفان کلیسا نقشی فعال داشته و از هیچ کاری جهت سرکوب مخالفان کوتاهی نکردند. به‌طور مثال ایشان افزونی از بازپرسان مخصوص را به اطراف‌واکناف گسیل داشتند تا به تعقیب بدعت‌گذاران مشغول باشند. گرگوریوس برای این امر خطیر، افرادی از کشیشان مذهبی را اعزام می‌کرد. هیچ بازپرسی نمی‌توانست یک بدعت‌گذار را بدون جلب رضایت و صلاح‌دید اسقفان محکوم نماید. عده این بازپرسان تا حدی زیاد بود که عوام به شوخی آن‌ها را «سگان شکاری خدا» می‌خواندند. (حیاتی، ۱۳۸۸: ۱۱۱)

مهم‌ترین ویژگی‌های نظام تفتیشی سنتی عبارت بودند از: نخست وجود مرجعی برای تعقیب و تقاضای محاکمه متهم صرف‌نظر از شکایت یا عدم شکایت بزه دیده. در واقع این نظام در دورانی شکل و رواج یافته است که مفهوم مجازات از جبران خسارت تفکیک‌شده و جامعه حقی مستقل از زیان‌دیده برای خود قائل شده بود. ویژگی دوم غیرعلنی بودن دادرسی بود. از کتبی بودن به‌عنوان



ویژگی دیگر این نظام می‌توان نام برد. از دیگر خصایص نظام تفتیشی می‌توان به حرفه‌ای بودن قضات آن اشاره نمود. در این نظام، برخلاف نظام اتهامی، قاضی کیفری فردی است حرفه‌ای که در رسیدگی‌ها نقش فعالی دارد. همین نقش فعال و با اهمیت قاضی است که به مرحله تحقیقات مقدماتی یا بازپرسی که مشابه آن در نظام اتهامی مشهود نیست، اهمیت بسزایی می‌دهد. ویژگی مهم دیگر این نظام غیر ترافیعی بودن رسیدگی‌ها بود؛ یعنی دادرسی به نبرد قضایی میان متهم و قاضی به‌عنوان نماینده جامعه تبدیل می‌شد. متهم از حقوق اندکی برای دفاع از خود برخوردار بود و نمی‌توانست از دلایل اتهام آگاه شده و آن‌ها را مورد مناقشه قرار دهد و یا آزادانه دلایل خود را ارائه نماید. در مقابل، قاضی از اختیارات زیادی برخوردار بود تا از متهم اقرار بگیرد و هر پرسشی را مطرح نماید. غیرعلنی و سپس محرمانه شدن دادرسی، ریشه در همین ویژگی داشت و سرانجام به‌عنوان آخرین ویژگی نظام تفتیشی می‌توان به وحدت قاضی و دادستان اشاره نمود. در واقع در نظام تفتیشی قاضی نقش دادستان را نیز ایفا می‌کند و بدین ترتیب به محض اطلاع از وقوع جرم و حتی قبل از شکایت شاکی در اغلب موارد، تحقیقات را آغاز می‌کند. قاعده قدیمی حقوق فرانسه که «هر قاضی دادستان عمومی است» مبین اختیارات وسیع قضات در این نظام است که با قاعده لزوم تفکیک مقامات تعقیب، تحقیق و قضا کاملاً معارض بود. هرچند قواعد نظام تفتیشی در معنای قرون وسطایش دیگر در چرخه‌ی قضایی کمتر کشوری متمدنی وجود دارد، اما برخی از کشورها که نظام مختلط را مبنای رسیدگی به دعاوی خویش قرار داده‌اند، از برخی خصایص نظام تفتیشی مانند غیرعلنی بودن، سری بودن، کتبی بودن و گاه نلفیق شئون مقامات تحقیق و تعقیب یا حتی قضا در مرحله تحقیقات مقدماتی استفاده نموده و قواعد آن را جهت نیل به مقاصد خویش جاری می‌نمایند.

در باب ارزیابی کلیات نظام تفتیشی باید اذعان داشت که اولاً، این نظام دادرسی به‌نوعی مبتنی بر مکتب سوسیالیسم است. در واقع در تضاد میان حقوق جامعه یا حکومت با افراد جوامع، کفه‌ی ترازو به نفع جامعه سنگینی کرده و جامعه یا حاکمیت این حق را برای خود قائل می‌شود تا برای حفاظت از خود، برخی از حقوق افراد را نقض نماید. ثانیاً، هدف اصلی نظام تفتیشی از رسیدگی به دعاوی، کشف حقیقت و بازپرس را باید سلطان بلامنزاع این نظام دانست. به‌گونه‌ای که ایشان در امر تحقیق جهت کشف حقیقت دارای اختیارات گسترده‌ای می‌باشد. ثالثاً نظام تفتیشی بر مبنای قاعده تحصیل آزاد دلایل استوار است. این قاعده بدان معناست که آنچه در مرحله تحقیقات مقدماتی جمع‌آوری شده، می‌تواند به‌عنوان دلیل علیه افراد متهم مورداستفاده قرار گیرد، حتی اگر دلایل مکشوفه به شکل غیرقانونی تحصیل شده باشند. رابعاً در نظام تفتیشی به سبب وجود مقام



بازپرس، عمده تمرکز بر مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی بوده و پرونده پس از تحقیقات کامل از سوی بازپرس برمبنای ضابطه فراتر از هر شک معقول نزد دادگاه ارسال می‌شود. (فروغی و یوسفی، پیشین: ۱۶۴)

نتیجتاً می‌توان گفت که نظام تفتیشی، نظامی است با بازپرسی فعال که وظیفه‌اش انجام کامل تحقیقات برمبنای ضابطه فراتر از هر شک معقول است به جهت رسیدن به کشف حقیقت هرچند این کشف در برخی موارد نقض‌کننده‌ی حقوق افراد باشد.

۴- تحقیقات مقدماتی در کشورهای مبتنی بر نظام مختلط (فرانسه)

مختلط تلفیقی از دو نظام اتهامی و تفتیشی می‌باشد. نگرش افراطی دو نظام پیشین و عدم رعایت اعتدال در نگرش، سبب گشت تا متولیان امر جهت تأمین عدالت کیفری به فکر اتخاذ شیوه‌ای جدید از رسیدگی افتاده که بر پایه‌ی دوری از معایب و جمع محاسن دو نظام پیشین باشد. نهایتاً حقوق‌دانان فرانسوی برای اولین بار پس از انقلاب ۱۷۸۹ در پی انتقادات وارده بر سیستم رسیدگی خود، نظام مختلط یا فرانسوی را جهت رسیدگی‌ها ابداع نمودند. بی‌شک انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ میلادی سبب ایجاد رنسانسی در قوانین حاکم بر رسیدگی‌های این کشور شد. روحیه انقلابی متفکران و حقوق‌دانان فرانسوی در کنار متأثر بودن آن‌ها از روشنفکران انگلیسی همچون ولتر سبب گشت تا آن‌ها درصدد حذف شکنجه‌های مرسوم و قوانین نامناسب نظام تفتیشی برآیند و به فکر بنا نمودن نظام دادرسی عادلانه که در آن حقوق افراد به‌خوبی رعایت گشته و دیگر هیچ قدرتی نتواند الهه عدالت را مستمسکی برای رسیدن به اهداف خود قرار دهد. به همین جهت قانون ۸ اکتبر ۱۷۸۹ علنی بودن محاکمات و حق مشارکت وکلای مدافع را، در رسیدگی‌های کیفری، از مرحله مواجهه شهود به بعد پذیرفت و قانون ۹ سپتامبر ۱۷۹۱ نهاد هیات منصفه یا ژوری رایج در انگلستان را وارد نظام رسیدگی کیفری فرانسه کرد. البته اگرچه در حقوق انگلیس هیات منصفه، در رسیدگی به اتهامات مهم نقش اساسی داشته و دارد اما هیچ‌گاه در مرحله تحقیقات مقدماتی دخالت نمی‌کند. باین‌همه، با توجه به تنفر فرانسویان از نظام رسیدگی تفتیشی قبل از انقلاب و علاقه وافر آنان به رعایت اصل برائت و پیشگیری از ایراد اتهامات ناروا به اشخاص بی‌گناه، مقنن فرانسوی پس از انقلاب، در مورد اقتباس مقررات مربوط به دخالت هیات منصفه، از کشور انگلیس نیز پا فراتر نهاد و دو نوع هیات منصفه را در قانون ۱۶ سپتامبر ۱۷۹۱ پیش‌بینی کرد: یکی هیات منصفه رسیدگی که مرکب از سه قاضی و دوازده عضو بود و در رسیدگی‌های جنایی در دادگاه شرکت می‌کرد و دیگری هیات منصفه ایراد اتهام یا تشخیص اتهام که در حقوق انگلیس وجود



خارجی نداشت. این هیات مرکب از هشت تن بود که از بین ۳۰ تن از افراد داوطلب، به حکم قرعه انتخاب می‌شدند. قاضی محکمه صلح ریاست آنان را عهده‌دار بود. قاضی مذکور پس از دریافت پرونده، مکلف بود در مدت ۲۴ ساعت از متهم بازجویی کرده، در صورت وارد دیدن اتهام، هیات منصفه تشخیص اتهام را برای اظهار نظر دعوت کند. در صورت تأیید اتهام از سوی هیات مزبور تحقیقات مقدماتی از متهم آغاز می‌شد و گرنه حق تعقیب متهم از دستگاه قضایی سلب می‌گردید. اما علی‌رغم تمامی تلاش‌ها در برپایی نظامی مبتنی بر عدالت از سوی فرانسویان، عواملی همچون افزایش آمار جرائم پس از انقلاب، عدم آشنایی اعضای هیات منصفه به وظایف خطیر خود، رشوه‌خواری برخی افراد عضو و سرانجام اطاله دادرسی به علت مداخله هیات منصفه تشخیص اتهام، اسباب شکست نظام اتهامی در فرانسه موجب گردید. اظهار نظر یکی از قضات فرانسه حتی درباره هیات منصفه رسیدگی به‌وضوح مبین عدم موفقیت این پیوند حقوقی و ترجمان احساسات خصمانه فرانسویان نسبت به قوانین بیگانه بود: «قضاوت توسط هیات منصفه متداول در انگلستان را وارد کشور ما کردند، اما به‌خوبی مبرهن شد که اخلاق فرانسوی با این نهاد حقوقی سازگار نیست و آداب و رسوم ما تاب تحمل آن را ندارد. بگذاریم انگلیسی‌ها به شیوه خود زندگی کنند و ما به شیوه خود.»

نفرت فرانسویان از نظام تفتیشی از یک‌سو و شکست آن‌ها در به کار بستن قواعد و قوانین رسیدگی نظام اتهامی از سوی دیگر سبب گشت تا به دستور ناپلئون بناپارت مجموعه تحقیقات جنایی فرانسه در سال ۱۸۰۸ میلادی تدوین گردد. عمده تلاش حقوقدانان فرانسوی در تدوین این قانون، ادغام قواعد دو نظام اتهامی و تفتیشی بود که نهایتاً منجر به شکل‌گیری نظام مختلط گردید.

قانون تحقیقات جنایی معروف به کد ۱۸۰۸ ناپلئون علی‌رغم موفقیت‌های نسبی در تلفیق دو نظام اتهامی و تفتیشی نتوانست چندان مثمر واقع گردد و به همین سبب جایگاه قانونی خویش را به قانون نوین فرانسه یعنی آیین دادرسی کیفری تفویض نمود. قانون جدید مصوبه را می‌توان نقطه عطفی در شروع گرایش نظام تفتیشی به نظام اتهامی در مرحله تحقیقات مقدماتی کشور فرانسه دانست. به‌گونه‌ای که این قانون حقوق بیشتری را به متهم اعطاء می‌نمود و همچنین از پیشرفت‌های جدید در علوم جهت تسریع در فرآیند دادرسی کیفری استفاده می‌نمود. پس از تصویب، قانون فوق تغییرات و تحولات عمده‌ای را تجربه کرد. این تغییرات و تحولات به‌شدت تحت تأثیر گزارش دو کمیسیون در سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۶ به ریاست خانم دلماس مارتی و ماری لور راستات شکل گرفتند. مهم‌ترین تغییرات را باید مربوط به سال‌های ۱۹۹۳، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۷ دانست.



امروزه مقامات رسیدگی کننده در دادسرای فرانسه را می توان دادستان، بازپرس و قاضی آزادی ها و بازداشت دانست. به گونه ای که به تفکیک دادستان به کمک پلیس عهده دار امر تعقیب، بازپرس عهده دار امر تحقیق و قاضی آزادی ها و بازداشت ناظر بر مرحله تصمیمات قضایی از جمله تصمیم در موارد حراست از حقوق افراد، قرار بازداشت یا آزادی متهم است. قاضی آزادی ها و بازداشت به ترتیب نسبت به دادستان و بازپرس از کنترل بیشتری برخوردار است.

در باب ارزیابی نظام مختلط می توان اذعان نمود که اولاً تفکیک مراحل تعقیب، تحقیق و رسیدگی از هم در راستای یک دادرسی عادلانه از نقاط مثبت این نظام به حساب می آید. هر چند این تفکیک در برخی موارد در کشورهای پذیرنده این نظام رسیدگی نقض می گردد. ثانیاً امروزه می توان با توجه به شناسایی حقوق عدیده برای متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی و در نظر گرفتن ضمانت اجرا برای ناقضین حقوق دفاعی افراد متهم، قائل به پذیرش گرایش نظام تفتیشی به نظام اتهامی در مرحله تحقیقات مقدماتی شد. ثالثاً در این نظام دادرسی یک تناقض ایدئولوژیک موجود است. دلیل این مدعا آن است که از یک سو با اضافه نمودن بازپرس در چرخه قضایی قصد بر تفکیک اختیارات مقامات تعقیب، تحقیق و قضا در راستای رعایت اصل بی طرفی مقامات رسیدگی داشته و از سوی دیگر در برخی موارد قائل بر توانایی ورود دادستان به عنوان مقام تعقیب در امور تحقیق و قضا شده است. (یوسفی و رئیسی، ۱۳۹۲: ۲۱۸) رابعاً از جمله معایب دیگر این نظام رسیدگی می توان به بحث اطلاع دادرسی اشاره نمود که پیشتر حقوق دانان ایتالیایی را بر آن داشت تا با تمسک به موضوع اطلاع دادرسی، نهاد بازپرسی را از دستگاه قضایی خویش حذف نمایند. در واقع در نظام مختلط به سبب وجود دو اقناع وجدانی، یک مرتبه بازپرس پس از انجام تحقیقات مقدماتی باید به این اقناع وجدانی رسیده که شخص متهم، مجرم یا بی گناه است و بار دیگر با توجه به شخصیت فعال قضات در نظام مختلط کنونی، اوست که باید به این اقناع وجدانی دست یابد.

۵- تحقیقات مقدماتی در کشورهای مبتنی بر نظام رسیدگی اسلامی

سیر تحولات نظام های حقوقی مختلف نشان دهنده این واقعیت است که هر یک از این نظام ها از شیوه دادرسی و ساختار قضائی خاصی برخوردارند؛ اما به رغم وجود اختلاف در قواعد، اصول و تشکیلات، مشترکاتی هم میان این نظام ها وجود داشته است. در این میان نظام اسلامی هر چند از حیث بعضی از قواعد و اصول دادرسی مشابهت های با نظام اتهامی دارد، نمی توان ادعا نمود که نظام دادرسی اسلامی از قوانین و مقررات کشورهای تابع نظام اتهامی سرمشق گرفته است. (محمصانی، ۱۳۵۷: ۲۴۸) مجاز بودن قاضی به تحصیل دلیل در نظام رسیدگی اسلامی خود به تنهایی نشانگر



اختلاف مبنایی این نظام دادرسی با شیوه دادرسی اتهامی می‌باشد. در واقع در نظام دادرسی اسلامی برخلاف نظام دادرسی اتهامی، قاضی در عین بی‌طرفی مجاز به انجام تحقیقات لازم برای دستیابی به حقیقت است.

مهم‌ترین ویژگی‌های نظام دادرسی اسلامی را می‌توان در این موارد خلاصه نمود: نخست آنکه، جرائم از لحاظ تعقیب و مجازات مرتکب به دودسته حق‌الله و حق‌الناس تفکیک شده‌اند و بر این اساس، تعقیب و محاکمه متهم در جرائمی که حق‌الناس خوانده می‌شود، منوط به شکایت بزه دیده است، اما در جرائمی که حق‌الله نامیده می‌شود، نیازی به شکایت او نیست و این امر تمایز نظام دادرسی اسلامی با نظام دادرسی تفتیشی را عیان می‌سازد. (خالقی، پیشین: ۳۵) ویژگی دوم را می‌توان علنی بودن دادرسی‌ها دانست، به این معنا که رسیدگی‌ها معمولاً در مساجد که علاوه بر محل انجام امور مذهبی، مکانی برای انجام امور سیاسی و قضایی هم بودند، انجام می‌گرفت تا مردم بتوانند بدون مانعی در آنجا حضور یابند و جریان رسیدگی را از نزدیک مشاهده نمایند. سومین ویژگی نظام دادرسی اسلامی را می‌توان وجود سازمان‌های نیمه قضایی در کنار نهاد دادرسی دانست. به گونه‌ای که این سازمان‌ها، مراجع اختصاصی و فوق‌العاده رسیدگی به برخی دعاوی و جرائم در کنار نهاد دادرسی (قاضی)، بوده‌اند. البته باید اذعان نمود که در برخی موارد چنین سازمان‌های به علت افراط و تفریط در رسیدگی‌ها، سبب بی‌فروغ شدن امنیت قضایی مردم می‌شده که این امر سودای عدالت را به خطر می‌انداخت. (ساکت، ۱۳۸۲: ۳۳۷) یک‌درجه‌ای بودن رسیدگی‌ها از دیگر ویژگی‌های نظام اسلامی بوده که به معنای این است که به هر جرمی فقط یک‌بار رسیدگی می‌شود و حکمی که در پایان توسط قاضی صادر می‌گردد قطعی و غیرقابل تجدید نظر است. البته در برخی موارد مشاهده شده که نسبت به احکام صادره، پژوهش‌خواهی صورت گرفته است. از دیگر خصایص نظام دادرسی اسلامی، می‌توان به تشریح قسامه به‌عنوان یکی از طرق اثبات دعوا نام برد. شفاهی بودن دادرسی‌ها را می‌توان خصلتی دیگر از نظام دادرسی اسلامی دانست. (همان، ۳۰۰) سرانجام ویژگی اصل وحدت قاضی است که از این مفهوم این‌گونه به ذهن متبادر می‌گردد که یک مقام قضایی واحد باصلاحیت عام از ابتدا تا انتهای دعاوی مطروحه را رسیدگی و حتی اجرای احکام با نظارت خود قاضی صورت می‌گیرد. (همان، ۱۳۰) در تعبیری دیگر، اصل وحدت قاضی را می‌توان نه در معنای چگونگی رسیدگی به دعاوی بر اساس تک‌مرحله‌ای یا دو مرحله‌ای بودن رسیدگی که بر مبنای وحدت قضات رسیدگی‌کننده یا تعدد قضات تشریح نمود، بدین نحو که مبنای رسیدگی به مخاصمات در دادرسی اسلامی وحدت قاضی می‌باشد و نه تعدد قضات. عدم پذیرش نظام تعدد قضات در دادرسی کیفری اسلام ناشی از شرایط



و ویژگی‌های سخت‌گیرانه ایست که شارع مقدس برای تصدی مقام قضا وضع کرده است. (گیلانی، ۱۳۷۸: ۲۳. آشتیانی، ۱۳۶۳: ۴۷۴. سبحانی، ۱۴۱۸: ۱۵. تیسیر شموط، ۱۴۲۶: ۷۲. مظفر، ۱۳۶۸: ۱۵۴. شمس الدین، ۱۹۹۸: ۱۱۵). برخی دیگر نیز با تمسک به برخی روایات در باب چگونگی اثبات جرائم به نحوی دیگر تجمیع قدرت را در ید شخص واحدی بر اساس اصل وحدت قاضی در نظام دادرسی اسلامی تبیین می‌نمایند. (بغدادی، ۱۴۱۳: ۷۷۷، حلی، ۱۴۱۰: ۴۵۵، یحیی، ۱۴۰۸: ۷۷)

۶- نظام رسیدگی حاکم بر مرحله تحقیقات مقدماتی ایران

قانون جامع در باب آیین دادرسی کیفری پس از انقلاب مشروطه مقتبس از قوانین فرانسه، قانون اصول محاکمات جزایی است که در سال ۱۲۹۱ شمسی مورد تصویب قرار گرفت؛ که در واقع ترجمه و تلخیص قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه بود. (عالمی: ۱۳۷۴: ۲۲۷) پس از آن، در قانون اصول تشکیلات دادگستری مصوب سال ۱۳۰۷ شمسی که هنوز هم موادی از آن لازم اجراست، مرجع تعقیب تحت عنوان اداره مدعی‌العمومی و مقام تعقیب تحت عنوان مدعی‌العموم پیش‌بینی گردید. (هژبریان و زرینی، ۱۳۸۸: ۲۵۷) در سال ۱۳۵۷ با پیروزی انقلاب اسلامی همچنان دادسرا به‌مانند سال‌های پیش از آن به کار خود در چرخه‌ی تشکیلات قضائی ادامه می‌داد اما از بدو حدوث انقلاب اسلامی، زمزمه‌های مبنی بر حذف نهاد دادسرا به علت غیرشرعی بودن آن به جهت حاکمیت اصل وحدت قاضی در نظام دادرسی اسلامی به گوش می‌رسید. انتقاد وارده نتیجتاً سبب تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در تاریخ ۱۳۷۳/۴/۱۵ شد. این قانون اختیار انحلال دادسراها را ظرف پنج سال به رئیس قوه قضاییه وقت، محمد یزدی اعطا نمود، ولی ایشان ظرف کمتر از یک سال به عمر هشتادساله‌ی دادسراها در ایران خاتمه داد. باری، رئیس جدید قوه قضاییه، سید محمود هاشمی شاهرودی به دلیل مشکلات عدیده پیش‌آمده و بر مبنای استدلال مخالفین حذف دادسرا بدین توضیح که نهاد دادسرا ماهیتاً مترادف با ارگان حسبه در صدر اسلام و لذا نهادی شرعی می‌باشد، لایحه اصلاح قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب را از طریق هیئت دولت به مجلس تقدیم نمود و با تصویب قانون جدید در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۲۸ نهاد دادسرا در سیستم قضائی ایران شد.

مقنن کیفری ایران علی‌رغم پذیرش نظام دادرسی مختلط مطابق قانون اصلاحی آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴/۰۴/۲۳، در کنشی معکوس اقدام به نقض اصول اساسی این نظام دادرسی



نموده است به نحوی که مطابق ماده ۹۲ قانون اصلاحی آیین دادرسی کیفری^۱ مصوب ۱۳۹۴/۰۳/۲۴، دادستان به عنوان مقام تعقیب می تواند در شئون تحقیق و قضا در صورت کمبود مقام تحقیق «بازپرس» ورود نماید و این اذن به وضوح مغایر با اصول اساسی یک دادرسی عادلانه است. (بولانژه، ۱۳۷۶: ۷۳، هادی زاده، ۱۳۹۰: ۶۶، یآوری، ۱۳۸۳: ۲۵۳، کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۷۸) تجمیع سه شان تعقیب، تحقیق و قضا در مقام دادستان مؤید گرایش مقنن کیفری به حاکمیت قواعد نظام دادرسی تفتیشی نسبت به قواعد نظام دادرسی اتهامی در مرحله تحقیقات مقدماتی است که این امر به شدت می تواند اصل بی طرفی مقرر در ماده ۹۳ قانون فوق الذکر^۲ را تحت تأثیر قرار دهد. بی طرفی در لغت به معنای عدم جانبداری بیان شده است (عمید، ۱۳۶۰: ۴۰۶) و در اصطلاح نیز بی طرفی را رسیدگی بدون هرگونه پیش داوری، خواه نسبت به یک عقیده یا رویکرد باشد و خواه نسبت به فرد، گروه، حزب یا گروه خاص. (فضائلی، ۱۳۹۲: ۴۳) در اصل دوم از مجموعه اصول اساسی استقلال قضایی در باب اصل بی طرفی مقرر شده است که قوه قضاییه باید نسبت به موضوعاتی که در برابر آن ها مطرح می شود، به طور بی طرفانه و بر اساس واقعیات و مطابق قانون و بدون دخالت مستقیم یا غیرمستقیم هر منبعی رسیدگی نمایند. (علم، ۱۳۸۴: ۱۰) لذا ضرورت تفکیک مراحل رسیدگی بر اساس موازین اصل تفکیک قوا جهت رعایت اصل بی طرفی و جلوگیری از تضییع حقوق طرفین مخاصمه امری اجتناب ناپذیر است که واضعین قوانین کیفری نمی توانند آن را نادیده انگارند.

^۱ ماده ۹۲ قانون اصلاحی آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴/۰۴/۲۳: «تحقیقات مقدماتی تمام جرائم بر عهده بازپرس است. در غیر جرائم مستوجب مجازات های مقرر در ماده (۳۰۲) این قانون، در صورت کمبود بازپرس، دادستان نیز دارای تمام وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس تعیین شده است. در این حالت، چنانچه دادستان انجام تحقیقات مقدماتی را به دادیار ارجاع دهد، قرارهای نهائی دادیار و همچنین قرار تامین منتهی به بازداشت متهم، باید در همان روز صدور به نظر دادستان برسد و دادستان نیز مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت در این باره اظهار نظر کند.»

^۲ ماده ۹۳ قانون اصلاحی آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴/۰۴/۲۳: «بازپرس باید در کمال بی طرفی و در حدود اختیارات قانونی، تحقیقات را انجام دهد و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است فرق نگذارد.»



نتیجه گیری

به موجب مواد ۲۲ و ۲۳ قانون اصلاحی آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴/۰۳/۲۴، دادستان به عنوان ریاست نهاد دادرسی و مدعی العموم، عهده دار تعقیب کلیه جرائم در حوزه قضایی خود می باشد. از سوی دیگر ماده ۹۲ قانون اشعار شده، تحقیق از تمامی جرائم را بر عهده مقام بازپرس نهاده است. نکته حائز اهمیت در این باب، اذن ورود دادستانی در صورت کمبود بازپرس به امر تحقیق می باشد. تجمیع قدرت در ید مقام دادستان به عنوان مدعی العموم تنها معطوف به دو امر تعقیب و تحقیق نشده و ایشان می توانند علاوه بر شئون مشروح، دارای شان قضایی نیز گشته و اقدام به صدور قرار پس از تعقیب و تحقیق نمایند. ورود دادستانی در امر تحقیق و قضا بر مبنای اصل وحدت قاضی پس از تعقیب خاطیان، دقیقاً همان تفاوت بارزی است که نظام حقوقی ایران را از سایر کشورها متمایز می کند. تجمیع سه شان تعقیب، تحقیق و قضا در مقام دادستانی به عنوان مدعی العموم به خصوص در جرائم غیر قابل گذشت، غیر قابل اغماض می باشد. شایسته آن است که با کسر شان دست کم قضا بر مبنای اصل تفکیک قوا از اختیارات و قدرت مقام دادستانی در رسیدگی به دعاوی مطروحه کاست و با انسداد تمامی گریزگاه های که امکان تخلف را ممکن می نمایند، اسباب رعایت یک دادرسی عادلانه را سبب گشت.



منابع

منابع فارسی

۱. آخوندی، محمود (۱۳۸۲)، آیین دادرسی کیفری کاربردی، تهران: میزان.
۲. آشوری، محمد (۱۳۹۲)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات سمت.
۳. آشوری، محمد (۱۳۷۶)، قانون آیین دادرسی کیفری ایتالیا در بوته آزمایش، چاپ اول، تهران: گنج دانش.
۴. باقرپور، یوسفعلی (۱۳۸۴)، تضمینات قانونی و اساسی در دادرسی و تحقیقات مقدماتی، فصلنامه بصیرت، شماره ۳۴.
۵. بولوک، برنار (۱۳۷۷)، کیفر شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: انتشارات مجد.
۶. بولانژه، ژان (۱۳۷۶)، اصول کلی حقوق و حقوق موضوعه، ترجمه علی رضا محمد زاده، تهران: دانشگاه تهران.
۷. حیاتی، علی (۱۳۸۸)، گذری بر تاریخ حقوق، چاپ اول، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۸. حیدری، الهام (۱۳۹۴)، حقوق دفاعی متهم در دوران تحت نظر در قانون آیین دادرسی کیفری و بررسی تطبیقی با حقوق انگلستان، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷۱.
۹. خالقی، علی (۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری، چاپ بیست و هفتم، تهران: شهر دانش.
۱۰. زرینی، حسین، هژبریان، حسین (۱۳۷۴)، تاریخ معاصر دستگاه قضایی ایران و تحولات آن، جلد اول، انتشارات روزنامه رسمی، چاپ اول.
۱۱. ساکت، محمدحسین (۱۳۸۲)، دادرسی در حقوق اسلامی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۱۲. صابر، محمود (۱۳۸۸)، معیارها و تضمین‌ها دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۴.
۱۳. عالمی، شمس‌الدین (۱۳۷۴)، حقوق اساسی، تهران: نشر شکوه، چاپ اول.
۱۴. عمید، حسن (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۱۵. علم، محمود (۱۳۸۲)، دادگستری استاندارد در اسناد بین‌المللی، تهران: نشر میزان.



۱۶. فرجی ها، محمد و مقدسی، محمدباقر (۱۳۷۸)، رویکرد تطبیقی به قاعده نامعتبر شناختن ادله در نظام عدالت کیفری کامن لا و ایران، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۲، شماره ۳.
۱۷. فروغی، فضل اله، یوسفی، ایمان (۱۳۹۳)، مرحله تصمیم‌گیری برای کفایت ادله اثباتی در الگوهای تحقیقات مقدماتی ایران و آمریکا، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ششم، شماره اول.
۱۸. فضائی، مصطفی (۱۳۹۲)، دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین المللی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
۱۹. قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۳)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: نشر میزان.
۲۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، فلسفه حقوق، جلد سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۱. کاشانی، سید محمود (۱۳۸۳)، استانداردهای جهانی دادگستری، تهران: نشر میزان.
۲۲. گیلانی، محمد (۱۳۷۸)، قضاء و قضاوت در اسلام، چاپ اول، تهران، چاپخانه الهادی قم.
۲۳. جویباری (۱۳۸۸)، رجب، کلیات آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران: نشر جنگل.
۲۴. منصورآبادی، عباس، فروغی، فضل الله (۱۳۹۶)، آیین دادرسی کیفری ۱، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۲۵. مختاری، رحیم (۱۳۹۲)، ارزیابی قضایی ادله اثبات دعوا، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
۲۶. محمصانی، صبحی (۱۳۵۷)، فلسفه قانونگذاری در اسلام، ترجمه اسماعیل گلستانی، چاپ اول، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۲۷. ناجی زواره، مرتضی (۱۳۸۹)، دادرسی بی طرفانه در امور کیفری، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
۲۸. هادی زاده، رضا (۱۳۹۰)، بررسی اصل تفکیک مقام تعقیب از تحقیق در آیین دادرسی کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق شهید بهشتی.
۲۹. یآوری، اسدالله (۱۳۸۳)، حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین، نشریه حقوق اساسی، نشر میزان، شماره ۲.
۳۰. یوسفی، ایمان (۱۳۹۱)، تحقیقات مقدماتی در آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران: نشر جنگل.



۳۱. یوسفی، ایمان (۱۳۹۰)، بررسی تمایل جهانی به حذف بازپرس، دوره سوم، شماره دوم.
۳۲. یوسفی، ایمان، رئیسی، محمدصادق (۱۳۹۲)، بررسی انتقادات وارد بر نهاد بازپرسی، مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و هفتم، شماره ۸۲.
- منابع عربی
۳۳. آشتیانی، محمدحسن (۱۳۶۳)، کتاب القضاء، قم: منشورات دار الهجره.
۳۴. تیسیر شموط، حسن (۱۴۲۶ق)، العدالة القائیه و تطبیقها فی الشریعه الاسلامیه، الاردن: دارالنفائس للتشر.
۳۵. سبحانی، شیخ جعفر (۱۴۱۸ق)، نظام القضاء فی الشریعه الاسلامیه الغراء، قم: موسسه الامام صادق (ع).
۳۶. شمس الدین، محمد مهدی (۱۹۹۸م)، الاجتهاد و التقليد بحث الفقهي و استلالی مقارن، بیروت: موسسه الدولیه.
۳۷. حلی، جعفر بن حسن بن یحیی (۱۴۰۸ق)، شرایع الاسلام فی مسایل الحلال و الحرام، قم: موسسه اسماعیلیان.
۳۸. حر عاملی، محمد بن علی (۱۳۷۶)، وسائل شیعہ، قم: انتشارات موسسه آل البيت (ع).
۳۹. حلی، محمد بن ادریس (۱۴۱۰ق)، السر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۰. مظفر، محمدرضا (۱۳۶۸)، اصول الفقه، جلد اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۱. مفید بغدادی، محمد (۱۴۱۳)، المقنعه، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.



Preliminary research in America, Italy, Germany, England, France and IranMahdi Ghorbani¹ / Sajjad Azimi Nejadian²

Article code: JHVMN-2408-1233

Abstract

Reflecting on the last law approved regarding the criminal procedure of Iran, proves the sovereignty of the principle of unity of judges over the proceedings of the judicial system, despite the relative sovereignty of the mixed judicial system. The principle of the unity of the judge allows the prosecutor as the prosecuting authority to enter the field of investigation and investigation, contrary to the principles of the mixed system common in Anglo-Saxon countries such as America, England, Germany and Italy, and on the other hand, France. The distinguishing feature of the common mixed system in the preliminary investigation phase of Iran with the Anglo-Saxon and French countries is the involvement of the prosecutor in the investigation and investigation, in such a way that the prosecutor in the mentioned countries is only responsible for the prosecution and ultimately the investigation, and there is no interference in the investigation. And according to the issuance of judicial orders, this is despite the fact that according to Article 92 of the Criminal Procedure Law of Iran, the prosecutor as the prosecuting authority can simultaneously be responsible for the prosecution, investigation and judgment. In fact, the the proceedings from each other in order to observe the, unlike other countries in the field of legislation. Therefore, it is desirable that the prosecuting authority, based on the principle of separation of powers, cannot rely on the seat of the judicial office, and at the same time have the three roles of prosecuting, investigating and judicially.

keywords: Western legal systems, Islamic judicial system, prosecution stage, investigation stage, judicial stage.

¹ Master of Criminal Law and Criminology, Department of Law, Shiraz University, Shiraz, Iran.

qrbanywrzrdymhdy@gmail.com

² Master of Criminal Law and Criminology, Department of Law, Shiraz University, Shiraz, Iran. (Corresponding author)

sajadazimi133@gmail.com

